**( 222 )**

**بتوسط جناب آقا میرزا فضل الله حکیم دندان ساز نیریزی**

**احبای نیریز علیهم بهاء الله الابهی**

**هو الابهی**

ای بندگان الهی و اماء رحمن جناب آقا میرزا فضل الله بزیارت بقعه کبریاء مشرف گشته و بتراب آستان نور مبین جبین مبارک نموده و در این خلد برین بیاد شما افتاده و بذکر شما پرداخته و از عبدالبهاء خواهش نگارش نموده و من فرصت تحریر یک کلمه ندارم پس چه باید کرد چاره‌ئی جز این ندیده مگر این نامه را بجمیع مرقوم نماید ای یاران و اماء رحمن هر چند شمس حقیقت از افق عالم متواری شد ولی شعاع ساطع و نور لامع و فیض کامل و فضل شامل باقی و بر قرار هر دم پرتوی جدید از جهان پنهان میدمد و در هر نفسی تأییدی شدید از عالم اسرار میرسد و این آیه مبارکه تحقق مییابد "و نراکم من أفقی الابهی و ننصر من قام علی نصرة أمری بجنود من الملأ الأعلی و قبیل من الملائکه المقربین" پس ای یاران و اماء رحمن از این بشارت و اشارت پرواز نمائید و از این وعد سلطان احدیت چون دریا بجوش و خروش آئید که چنین موهبتی در کار است و دلبر چنین الطافی جلوه مینماید کمر همت بر خدمت بربندید و استفاضه از نیر روشن عالم بالا بنمائید و بتأییدات الهی مصمم بر امور مهمه گردید و باعلاء کلمة الله پردازید تا آن کشور منور گردد و در آن قربان‌گاه عشق خون شهیدان بجوشد و نشر نفحات معطر نماید مطمئن بتأییدات غیبیه باشید که پی در پی میرسد و موقن بالطاف ربانیه باشید که متتابعا میرسد و چون چمن برشحات سحاب رحمت تر و تازه گردید و چون اشجار جویبار انقطاع از نسیم عنایت روحی تازه یابید امید من چنانست که آن بوم و بر پرتو آفتاب انور گیرد و آن حدود و ثغور مورد الطاف رب غفور شود گلستان الهی تشکیل گردد و گلهای حدیقه رحمانی بشکفد بحر رحمت بموج آید و گوهر متلألأ رحمانی نثار گردد صبح هدایت بدمد آن آفاقرا روشن کند بهر یک از شما تحیت ابدع ابهی بنهایت اشتیاق ابلاغ میدارم

 ٧رمضان سنه ١٣٣٩

(عبدالبهاء عباس)